

نسخه جهت رفع التهاب و ورم کلیه (نفريت)

درهريك از ۲ فرسول زیر، تعداد ۶ گیاه دارویی جای دارد که دم کرده و یا جوشانده ۱۰ در هزار آنها به تناوب باید مصرف گردد:

۵ گرم	Galium verum	شیر پنیر	} - I
» ۱	Tilia cordata	زیر فون	
» ۲		کاکل ذرت	
» ۵	Equisetum arvense	دم اسب	
» ۲	Sambucus nigra (۱)	گل آفتی سیاه	
» ۵	Rosa canina	میوه نسترن	} - II
۲ گرم	Achillea millefolium	بوساداران	
» ۵		شیر پاییر	
» ۱	Polygonum aviculare	علف هفت بند	
» ۵	Agropyron repens	شین دان	
» ۱	Arctostaphylos Uva - ursi	اووا - اوری	}
» ۳	Hypericum perforatum	علف چای	

از هر یک از مخلوط گیاهان ۲ فرسول فوق، دم کرده یا جوشانده ۱۰ در هزار تهیه کرده به تناوب به مقدار ۳ فنجان در روز باید مصرف نمود بدین نحو که مثلاً چند روز از فرسول شماره I و چند روز دیگر از فرسول شماره II استفاده بعمل آید (A. Deglos).

Oryza sativa L.

فرانسه: Riz انگلیسی: Rice plant، Rice آلمانی: Reiss ایتالیائی: Riso

فارسی: برنج^(۱)، بچ (درگیلان) - عربی: ارز (Urz)، رز (Ruz)

گیاهی یکساله به ارتفاع ۰.۷-۱.۰ تا ۱.۶ متر و حتی بیشتر است. ساقه راست، گره دار،

۱- در فرسول II، چون Uva - Ursi در ایران وجود ندارد می توان یک گیاه بدر مانند کاکل ذرت را بهمان مقدار که در فرسول I تعیین گردیده بکار برد.

۲- اسامی مذکور به تفاوت به گیاه و دانه آن که به مصارف تغذیه می رسد، اطلاق

می شود.

۳- یا ۴- گره) و برگهای بزرگ، نوک تیز، بی کرک و با پهنگی منتهی به لیگول قائم دارد. هر سنبلک آن دارای دنباله کوتاه و سر کب از یک گل است که مجموعاً گل آذین پانیکول، به طول ۲ تا ۴ سانتیمتر بوجود می آورند. پوشینه سنبلک های آن، کوچک است ولی پوشینک های آن ۳ یا ۴ مرتبه بزرگتر از پوشینه هاست.

میوه اش گندسه و پوشیده از پوشش می باشد.

برنج از غلات مهم به شمار می آید بطوری که نصف مردم کره زمین از آن تغذیه می کنند. منشاء اصلی آن در هند بوده ولی در چین، قریب ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، زراعت می شده است. پرورش آن بعداً در ژاپن، هند، سیلان، و بطور کلی در غالب نواحی استوایی و گرم معمول گردید بطوری که تدریجاً به مصر انتقال یافت و در قرن ۷ میلادی، اقدام به زراعت آن در این ناحیه شد. امروزه برنج در غالب نواحی مساعد که آب و هوای گرم و بارانی و یا خیلی مرطوب دارد زراعت می گردد. برنج در حدود ۱۰۵ واریته دارد که برخی نمونه های مرغوب آن در نواحی شمالی ایران پرورش می یابند.

در بازار تجارت، برنج عاری از پوسته سخت خارجی عرضه می شود. برای این کار به وسیله دستگاهائی، پوسته سخت را از آن جدا نموده با اصطکاک دادن برنج عاری از پوسته بر روی یکدیگر، گشای خارجی آن را نیز از بین می برند و برنجی به رنگ سفید و شفاف به دست می آورند. چنین برنجی که به علت از دست دادن طبقات خارجی، سفید و شفاف شده است، عاری از ویتامین B₁ گردیده در اشخاصی که منحصرأ از آن تغذیه می نمایند، بیماری بری بری Béri - béri ایجاد می نماید.

ترکیبات شیمیائی - برنج معمولی دارای ۱۲ تا ۱۳ درصد آب، ۷۷ تا ۸۰ درصد از نیدرات های کربن، مقدار کمی سواد ازته (۱.۴ تا ۱.۸ درصد)، ۱.۰ تا ۱.۸ درصد سواد چرب و همچنین طبق تحقیقات M. Iwata که در سال ۱۹۳۰ صورت گرفت، دارای لیزولسیتین Lysolecithine است.

برنج به علت دارا بودن آسیدون زیاد، قابلیت تهیه نان را دارد ولی چون گلوتن آن کم است به اشکال نان از آن تهیه می شود. معمولاً در خاور دور نوعی الکل از برنج تهیه می شود و چون ضمن تخمیر، الکل آمیلیک ایجاد نمی کند، سمیت آن از الکل گندم یا چاودار کمتر است و برای مصارف دارویی مناسب تر می باشد. تصفیه آن نیز آسان تر صورت می گیرد.

خواص درمانی- برنج پخته، غذائی سهل الهضم است بطوری که پس از جذب، باقیمانده زیادی از خود در روده باقی نمی گذارد. ضمناً چون سواد آلپوینوئیدی و چربی آن کم است

از این جهت در تغذیه باید همراه برنج، از اغذیه دیگر مانند کره، پنیر، تخم مرغ و غیره استفاده کرد. برنج بهترین غذای دوره نقاهت و همچنین برای مبتلایان به سوء هضم یا به اسهال و زخم معده است ولی نباید مورد استفاده مبتلایان به یبوست و بیماری قند قرار گیرد. مصرف بی رویه برنج ایجاد چاقی مفرط می کند.

جوشانده برنج برای رفع اسهال و حالات التهابی روده مفید است و برای این کار ۱ تا ۲ قاشق سوپخوری برنج را در یک لیتر آب می جوشانند بطوری که دانه های برنج بکلی خرد شود بعداً آنرا با شربت به شیرین می کنند و کمی پوست نارنج نیز جهت معطر ساختن آن، به مایع



ش ۱۶۸ - *Oryza sativa*: قسمتهای مختلف گیاه کامل میوه دار - سنبلک کامل

و عاری از پوشینه

می افزایند. از جوشانده مذکور که دارای لعاب برنج است می توان به صورت تنقیه نیز جهت رفع اسهال استفاده به عمل آورد.

از آرد برنج به صورت ضماد های نرم کننده و یا به حالت خشک، جهت رفع التهاب و اورام - جلدی و همچنین رفع قرمزی نقاط تحریک شده پوست بدن استفاده به عمل می آید. از آرد برنج در

اطفال به منظور تسکین و رفع قرمزی ناحیه دستگاه تناسلی که به علت آلوده شدن به ادرار تحریک می گردد، استفاده می شود به علاوه به مصرف تغذیه اطفال می رسد. آرد برنج مخلوط با پودر تالک و آسیدون در استعمال خارج مورد استفاده قرار می گیرد زیرا به حالت خالص، چون چربی آرد برنج کم است، مقدار چربی پوست را کاهش می دهد و باعث خشک شدن آن می گردد. با باز کردن آرد برنج در آب یا شیر، ضماد نرم کننده تهیه می شود.

برنج در مصارف داخلی معمولاً به صورت جوشانده ۳۰ تا ۴۰ در هزار یا نیز آن ۲ در هزار ولی در استعمال خارج به صورت ضماد یا آرد، مصرف می شود.

از برنج پخته تخمیر یافته، نوعی محلول الکلی دار نیز تهیه می گردد که از بعضی از آنها در تهیه فرآوردهای دارویی استفاده می شود:

سبوس برنج (Rice bran) - قشر خارجی برنج عاری از پوسته سخت، ضمن سفید کردن برنج در دستگاههای مخصوص، از آن جدا می گردد و با این عمل، سبوس برنج به دست می آید. از سبوس برنج نیز روغنی به مقدار ۱۰ درصد وزن آن حاصل می شود که به روغن سبوس برنج (*Rice bran oil*) موسوم است و استخراج آن از سبوس، معمولاً با استفاده از حلال ها صورت می گیرد. ضمناً باید در نظر داشت که در سبوس برنج نوعی لیباز فعال وجود دارد که باعث می گردد مقدار درصد اسیدهای چرب آزاد را در آن افزایش دهد.

روغن سبوس برنج دارای ۱۰-۲۰ درصد از اسیدهای چرب اشباع شده و ۸۰ تا ۸۵ درصد از نوع اشباع نشده به شرح زیر است:

۴.ر. تایک اسید میریستیک، ۱۲-۱۸ درصد اسید پالمیتیک، ۱-۳ درصد اسید استئاریک، ۰-۴.۰ درصد اسید اولئیک، ۹ تا ۲۴ درصد اسید لینولئیک، بمقدار جزئی تا یک درصد اسید لینولنیک و ۳.ر. تا ۴.ر. درصد اسید پالمیتولئیک است.

روغن سبوس برنج، رنگ زرد طلائی دارد. به سختی، رنگ سفید و روشن پیدا می کند و از مشخصات آن اینست که تحت اثر گرما حتی تا حرارت ۱۶۰ درجه، فساد پیدا نمی کند. وزن مخصوص آن در گرمای ۲۰ درجه، بین ۰.۹۱۶ و ۰.۹۲۵ ر. است. اندیس صابونی آن ۱۸۱-۱۸۹، اندیس ید آن ۹۹-۱۰۸ و سواد صابونی نشدنی آن، ۳۵ درصد است.

روغن سبوس برنج دارای سواد ضد اکسیدان مانند توکوفرول *tocopherol* است. در *hexane* و حلال های دیگر سواد روغنی، حل می شود.

روغن سبوس برنج، در تهیه صابون و فرآورده های زیبایی صرف دارد شروط بر آنکه مقدار اسیدهای چرب آزاد آن کم باشد یعنی لیباز فعال و موجود در آن، کاملاً به صورت غیر-

فعال در آمده باشد (Mensier).

ساکه (Saké) - در ژاپن و بعضی از کشورهای خاور دور، از نوعی برنج که دانه‌های آن پس از پخته شدن، چسبندگی کمتر بهم‌دیگر پیدا می‌کند، اختیار نموده آنرا با بخار آب می‌پزند و سپس برنج پخته را بر روی سفره‌های حصیری در زیر زمین یا سرداب‌ها می‌گسترانند. بعداً کشت خشک شده *Aspergillus Oryzae* را به آنها می‌افزایند. این کفک، به سرعت، زیاد می‌شود و به صورت توده گسترده شده، سطح حصیرها را فرا می‌گیرد. این مجموعه که **کوژی Koji** نامیده می‌شود عنوان خمیر سایه، برای انجام سراحل بعدی تهیه ساکه (Saké) و یا مصارف دیگر بکار برده می‌شود.

در این هنگام که تهیه کوژی انجام گرفت، ۲۱ لیتر آنرا با ۶۸ لیتر برنج پخته شده و ۷۲ لیتر آب، مخلوط کرده در داخل ظروف بزرگ متعدد می‌ریزند و به حال خود می‌گذارند. تدریجاً تحت اثر دیاستاز مترشحه از کفک مذکور که **تاکادیاستاز Takadiastase** نامیده می‌شود، مرحله تبدیل نشاسته به قند انجام می‌گیرد.

پس از گذشتن ۵ تا ۶ روز، محتوی ظروف مذکور را در ظروف بزرگ تر وارد می‌سازند که تدریجاً در طی مدت ده روز، عمل تخمیر خاتمه می‌یابد و مایع، منحصراً دارای ده درصد الکل می‌گردد که آنرا **موتو Moto** می‌نامند.

در این موقع، ۵۲ لیتر از سوتورا پس از صاف کردن، با ۱۰۰ لیتر برنج که در گرمای بخار آب پخته شده باشد و ۲۱ لیتر آب مخلوط می‌کنند و ۱۵ تا ۱۸ روز به حال خود می‌گذارند و ساکه به دست آورند.

از آنچه که ذکر شد چنین نتیجه می‌شود که تهیه ساکه در دو مرحله مجزا به شرح زیر انجام می‌گیرد:

۱- مرحله پیدایش قند از نشاسته، تحت اثر تاکادیاستاز مترشحه از کفک مذکور.

۲- انجام عمل تخمیر در جوارت لووری (Lévures)^(۱) به نام *Saccharomyces Saki*.

در سودان و افریقای غربی و مرکزی، نوعی برنج وحشی به نام *Oryza Barthii* A. Chev. وجود دارد که به پایه *O. sativa* محمول نمی‌دهد ولی در عوض، چراگاه بسیار مناسب در بعضی از نواحی سیلابی سنگال، نیجریه و نواحی سردابی چاد بوجود می‌آورد. ارتفاع این گیاه به یک تا

۱- لوورها (Levures)، قارچ‌های میکروسکوپی از *Saccharomyces* ها و یا جنس‌های

سجاور آن مانند (*Zygosaccharomyces*، *Torula*) و غیره می‌باشند که به سرعت تکثیر حاصل می‌کنند و در انجام عمل تخمیر مداخله می‌نمایند (Dorv. p. 1127, 1948).

۵۰ متر برحسب ارتفاع آب محل رویش می‌رسد.

زراعت برنج، در غالب نواحی شمال ایران مخصوصاً گیلان و مازندران، معمول است. چون علاوه بر غلات، گیاهان مختلف تیره‌های دیگر مخصوصاً اعضاء زیر زمینی آنها نیز آسیدون و مواد نشاسته‌ای تحت نام‌های فکول (Fécule)، مانیوک (Mouioc)، آروروت Arrow - roots و غیره تولید می‌کنند از اینجهت پس از ذکر مواد نشاسته گیاهان اخیر، به شرح بقیه غلات مفید مبادرت می‌شود.

آسیدون‌ها - فکول‌ها

مواد نشاسته‌ای حاصل از میوه غلات، اصطلاحاً **آسیدون** و مواد نشاسته‌ای گیاهان دیگر مخصوصاً اعضاء زیر زمینی آنها، **فکول** Fécule نامیده می‌شوند.

شرح غلات مولد آسیدون در صفحات قبل گذشت. اینکه به شرح فکول‌های مهم مبادرت می‌شود:

۱- **فکول سیب زمینی** - از غده‌های زیر زمینی *Solanum tuberosum* L. واریته‌های متعددی به دست می‌آید. منشاء این گیاه در امریکا بوده، از قدیم الایام نیز در شیلی و نواحی مجاورش و پرورش می‌یافته است. بعد از کشف قاره امریکا، در سال ۱۵۸۰ توسط اسپانیایی‌ها به اروپا وارد گردید و در کشورهای مختلف این قاره انتشار یافت.

فکول سیب زمینی، از غده‌های این گیاه به صورت زیر تهیه می‌شود:

ابتدا غده‌های سیب زمینی را به خوبی شسته به کمک ماشینهای مخصوص، رنده می‌نمایند تا به صورت له شده درآید سپس در آب گرم سلایمی مالش می‌دهند و بر روی صفحات فلزی سوراخدار می‌ریزند. بدیهی است که آب ضمن عبور از سوراخهای صفحه فلزی، مواد نشاسته‌ای را با خود عبور می‌دهد. آب دارای فکول را که به بطریقه فوق به دست آمده است، به حال خود می‌گذارند تا ته نشین شود، سپس فکول ته نشین شده را چندبار با آب می‌شویند تا به رنگ کاسلا سفید درآید. در این حالت آنرا بر روی پارچه‌ای می‌گسترانند و در مجاورت هوا قرار می‌دهند و یا در اتوو خشک می‌کنند.

فکول سیب زمینی مرکب از ذرات معمولاً بیضوی است و در زیر میکروسکپی به صورت لایه‌های بیضوی متعددی که در حول نقطه‌ای به نام ناف متمرکز است، به نظر می‌رسد. دانه‌های بیضوی مذکور معمولاً با دانه‌های کوچک تر، مدور یا شکسته شده و گاهی پیوسته به هم، همراه است. درازای دانه‌های مذکور، متفاوت و از ۱۵ تا ۱۱۰ میکرون تغییر می‌کند.

فکول سیب زمینی دارای صفات شیمیائی نشاسته گندم است ولی لعاب آن شفاف تر و روان تر می باشد (کدکس). از سیب زمینی رنده شده ضمادی تهیه می شود که در سوختگی ها از آن استفاده می گردد. از فکول سیب زمینی نیز برای همین منظور استفاده به عمل می آید با این تفاوت که به علت سبک وزن بودن، زود خشک می شود بعلاوه به مصارف تهیه دکسترین، گلوکز و الکل آمیلیک می رسد.

۲- مانیوک Manioc، نشاسته ای است که از ریشه غده ای دو گیاه زیر از تیره فرقیون به دست می آید و از آنها تاپیوکا Tapioca تهیه می شود.

الف - *Manihot utilisissima* Pohl. * که به مانیوک تابخ سوسوم است.

ب - *dulcis* Bail « » * که مانیوک شیرین نامیده می شود.

اختصاصات گیاه شناسی گونه اول از ۲ گیاه اخیر بدشرح زیر است:

* *Manihot utilisissima* Pohl.

M. edule A. Rich. ، *Jatropha Manihot* L.

فرانسه: *Manioc* ، *Manioc* ، *M. amer* انگلیس: *Tapioca plant* ، *Manioc* ، *Cassava*

آلمانی: *Bittere manioka* ایتالیائی: *Manioc* ، *Mandiocca* عربی: *سنيوت*

گیاهی با ساقه قوی گره دار و به ارتفاع در حدود ۳ متر است. ساقه اش بجز حجیم دارد و بعلاوه آگریوست آن شکاف داده شود، شیرابه از آن خارج می گردد. برگهای آن بزرگ، منفرد و دارای پهنگی متقسم به ۳ تا ۷ تقسیم عمیق و منتهی به دمبرگ دراز است. تقسیمات برگ آن به صورتی است که بظاهر مرکب از برگچه ها به نظر می رسد. گلهای آن به رنگ زرد روشن و مجتمع به صورت خوشه هائی واقع در رأس یا در محور ساقه اند. میوه آن پوشینه و شفت مانند و ۳ قسمتی است. از اختصاصات آن این است که ریشه ستورم گیاه، به وضع مجتمع در قاعده ساقه، درون خاک جای دارد و بعلاوه به خلاف گونه دیگر دارای اسید سیانیدریک است و چون این ماده با حرارت دادن ریشه از بین می رود، می توان از ذخائر ریشه گیاه استفاده به عمل آورد.

منشاء اصلی این گیاه و گونه دیگر، در امریکا (برزیل) بوده است. پرورش آنها امروزه در مناطق حاره معمول می باشد.

استخراج مواد نشاسته ای از دو گیاه مذکور به طریق زیر صورت می گیرد:

ریشه های غده ای را ابتدا از خارج می تراشند و با آب می شویند تا کاملاً تمیز و عاری از خاک و آلودگیهای دیگر گردد. سپس آنها را رنده نموده، درون کیسه سوئی استوانه ای شکل با بافت درشت، می ریزند بطوری که کیسه کاملاً از آن پر شود بعداً آنرا در محلی به وضع آویخته

قرار داده، از بائین کیسه را می کشند و یا وزنه ای به انتهای آن می آویزند تا کیسه بحالت کشیده در آید. با این ترتیب، تحت اثر فشار زیاد، شیره شیرین رنگی از کیسه خارج می شود که دارای قسمتی از آمیدون ریشه است. شیره مذکور را پس از استخراج، درون ظرفی به حال خود می گذارند تا ته نشین شود سپس ته نشین شده را چند بار شسته، در گرمای خورشید خشک می کنند و ماده ای به دست می آورند که *Moussache* نامیده می شود.



ش ۱۶۹ - *Manihot utilisissima*: A = غده ستورم و جوان B = برگ (اندازه

طبیعی) C = قسمتی از گل آذین D = گل نر E = گل ماده در برش طولی F = یکی

از برچه های رسیده G = دانه

روش مذکور، اختصاص به گیویان، برزیل و آنتیل دارد ولی امروزه به وسیله دستگاه-هائی که صفحات سوراخدار دارد، از ریشه متورم گیاه، تحت اثر فشار، شیره مذکور را استخراج می کنند.

ریشه رنده شده درون کیسه را نیز که شیره آن تحت اثر فشار خارج شده است، الک نموده بر روی صفحات آهنی، تحت اثر گرمای زیاد قرار می دهند و مرتباً آن را زیرو رو می کنند تا خشک شود و بعداً، سواد سمی آن با مداخله گرما از بین می رود. با این روش فکولی مرکب از دانه های ریز به دست می آید که Couaque نامیده می شود و در نواحی مختلف محل رویش، به صمغ تغذیه و تهیه بیسکویت و نان های شیرینی می رسد.

از خشک شدن Moussache سرطوب، بر روی صفحات فلزی، **تاپیوکا** Tapioca به دست می آید. در انجام این کار باید دقت کافی به عمل آورد تا همه قسمت های آن، بر روی صفحات فلزی، گرمای یکنواخت ببیند.

در صنعت، تاپیوکا را به روشی که درباره فکول سیب زمینی ذکر گردید، مستقیماً از ریشه رنده شده گیاهان مذکور تهیه می کنند، منتی پس از به دست آوردن فکول، آن را بر روی صفحات گرم متحرک قرار می دهند تا پس از خشک شدن تدریجی به کمک دستگاه های مخصوص، به صورت گرانول درآید و سپس به ۱۰ درجه حرارت می رسانند تا قسمتی از سواد نشاسته ای آن به دکسترین تبدیل شود.

قطعات مذکور را معمولاً پس از آنکه بر حسب ابعاد، جور نمودند، وارد بازار تجارت می کنند.

۳- **آرو-روت (Arrow - roots)** - نشاسته ای است که از ریزوم متورم گیاهان متعلق به تیره های مختلف به شرح زیر تهیه می شود:

* *Maranta arundinacea* L.

M. indica Tussac.

فرانسه: Arrow - roots ایتالیا: Erba da freccie Cannacuro

انگلیسی: Arrow - roots plant آلمانی: Arrowrootpflanze

عربی: شجر ارروت (Shag. ararût)

گیاهی از تیره *Marantaceae* و دارای ریزومی گوشتدار، به وضع افقی در داخل خاک است. ساقه ای یکساله، راست، خشن، به ارتفاع ۱ تا ۲ م، سر و پوشیده از قامه دمبرگها دارد. برگهای آن ستاوب، بزرگ، بیضوی نوک تیز، به رنگ سبز زیا و گلپایش کوچک، سفید-

رنگ و مجتمع به وضع فاصله دار، در قسمتهای انتهائی ساقه اند. کاسه گل آن از ۲ ردیف پوشش، یکی خارجی و دارای ۳ لب و دیگری داخلی و شامل ۴ لوب با ظاهر قیف مانند تشکیل می یابد. تخمدان گل دارای یک خانه و یک تخمک است و پس از آمیزش و رسیدن نیز به سیوه ای سه بزگی زیتون و محتوی دانه سفید رنگ، تبدیل می گردد.

این گیاه در آنتیل، جنوب آمازون و برخی از نواحی گرم آسیا بمنظور تهیه آرو-روت پرورش می یابد. آرو-روت حاصل از آن نیز به آرو-روت آنتیل یا آرو-روت بارباد Barbade موسوم می باشد.



ش. ۱۷۰ - *Maranta arundinacea*: سرشاخه گلدار گیاه

حداکثر مقدار آمیدون در ریزوم این گیاه موقعی پدید می آید که یک سال از کشت آن گذشته باشد. مقدار آن در ریزومهای ۱۰ ماهه، معادل ۱۶ درصد و در ریزومهای ۱۹ ماهه، در حدود ۱۰ درصد است.

طرز تهیه آرو-روت از ریزوم این گیاه بدین نحو است که ابتدا ریزوم را از خارج می تراشند و به خوبی می شویند، سپس آنها را رنده کرده تحت اثر جریان آب پر روی صفحات سوراخدار قرار می دهند. بدینوسیله که آب ضمن خارج شدن از سوراخها، سواد نشاسته ای را با خود عبور می دهد. آب دارای فکول رانیز مدتی به حال آرائش قرار می دهند تا سواد نشاسته ای آن ته نشین شده

با کج کردن ظرف، از آن جدا گردد. سپس طبق دستور کلی، آن را خشک نموده در معرض استفاده قرار می‌دهند.

فکول حاصل، رنگ سفید دارد. بدون بو و سهل‌الهضم است و در برخی انواع نیز مرکب از دانه‌هایی شبیه آمیدون سیب‌زمینی است.

آروروت اگر کاملاً خشک شود بیش از ۱۶ درصد وزن خود را از دست نمی‌دهد و اگر یک گرم آن با ۱۰ میلی‌لیتر آب بجوشد و سپس سرد شود، توده ژلاتینی شفاف و به رنگ مایل به سفید از آن حاصل می‌گردد.

آروروت دارای تمام اختصاصات نشاسته است. مصرف آن به صورت آش لعاب‌دار در رفع شکم‌روش موثر واقع می‌شود. یک‌قاشق غذاخوری از آن اگر در ۱۰۰ میلی‌لیتر آبجوش وارد شود، محلولی با حالت موسیلاژی (لعابی) به دست می‌آید که اثر تسکین‌دهنده در رفع التهاب‌های سطحی دارد. از آروروت جهت معلق‌نکهداشتن مواد مانند ترکیبات باریوم در محلول و همچنین به جای نشاسته در تهیه قرص‌ها استفاده بعمل می‌آید.

انواع مختلف آروروت را بطوری که در فوق برای گیاه مذکور ذکر شد، بر حسب منشاء تهیه آنها به شرح زیر و به نحوی نامگذاری می‌نمایند که نام آروروت قبل از نام محل تولید، قرار گیرد:

الف - آروروت آنتیل که شرح آن داده شد.

ب - آروروت مالابار (A. de Malabar) که از ریزوم نوعی گیاه از تیره زنجبیل به نام (Zingiberaceae) به نام *Curcuma leucorrhiza* Roxb. * و آروروت حاصل از واریته‌ای از آن به نام *Var. rubescens*، طبق روش کلی که قبلاً شرح داده شد به دست می‌آید.

این نوع آروروت، مرکب از دانه‌های بیضی‌سطح، کم‌ویش دراز و دارای ناف مشخص است. درازای دانه‌های آن بین ۳ تا ۵ میلی‌متر عرض آنها بین ۲ تا ۳ میلی‌متر و ضخامت آنها بین ۷ تا ۸ میلی‌متر باشد.

ج - آروروت کوئینزلاند (A. de Queensland)، از ریزوم متورم گیاهانی مانند *Canna edulis* Edw. * و *C. indica* L. * که گیاهانی از تیره Cannaceae می‌باشند و همچنین چند گیاه دیگر به نحوی که روش کلی آن شرح داده شد، تهیه می‌گردد. مرکز مهم تهیه آن نیز در استرالیا است. ریزوم متورم گیاه اول، دارای ۲۸ درصد آمیدون، مرکب از دانه‌هایی مشابه سیب‌زمینی است با این تفاوت که این دانه‌ها درشت‌تر و دارای ظاهر بیضی، به بزرگی ۱۰۰ میلی‌متر می‌باشند.

د - از بولب *Tacca pinnatifolia* Forst. * (از تیره Taccaceae) و همچنین از غده متورم *Arum maculatum* L. * و *A italicum* Mill. * که گیاهانی از تیره Araceae می‌باشند و از گیاهان دیگر نیز، آروروت تهیه می‌شود ولی در هر حال اهمیت غالب آنها نه تنها قابل ملاحظه نیست بلکه امروزه هیچکدام به استثنای آروروت گونه اول که در سالزی مصرف دارد، مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

از حیوانات نیز آمیدون‌هایی تهیه می‌شود که مرکب از دانه‌های متحدالشکل، دراز و منفرد با کناره‌های مدور است.

آروروت، از مواد غذایی سهل‌الهضم و بسیار مفید به شمار می‌آید و بیشتر به مصارف تغذیه اطفال مخصوصاً در هنگام از شیر گرفتن آنها می‌رسد.

بررسی‌های Dr. H. Leclerc نشان داد که با آنکه آروروت دارای مقادیر کم مواد پروتئیدی است، معیذاً چون ویتامین‌های مختلف در بر دارد، از اغذیه بسیار مفید و سازنده باید به حساب آورده شود.

Saccharum officinarum L.

فرانسه: Canne à sucre، Canne mielleuse، Cannamelle

انگلیسی: Common sugar cane، Sugar cane، آلمانی: Zuckerrohr

ایتالیایی: Cannamele عربی: قصب السكر (Qassab es sukker)

فارسی: نیشکر

گیاهی پایا و دارای ساقه‌هوائی بنددار به طول ۲ تا ۵ متر و به قطر ۲ تا ۴ سانتیمتر، سملو از قند ساکارز است. برگ‌هایی متناوب، باریک دراز، غلاف‌دار و گل‌هایی مجتمع به صورت مخروط، در قسمت انتهائی ساقه دارد. سنبلیکهای آن مرکب از دو گل هر مافرو دیت، یکی بدون دسگل مشخص و دیگری دارای دسگل است. در هر گل آن ۳ پرچم با سبک دراز، دوشاخه و به رنگ زرد دیده می‌شود. تخمدان‌گلهای آن، دارای خامه منتهی به کلانه پوشیده از تارهای ظریف است.

منشاء اولیه گیاه در هندوستان بوده از آنجا به نقاط مختلف آسیا، اروپا و آمریکا، پراکنده می‌یافته است. امروزه به حالت وحشی وجود ندارد. از واریته‌های متعدد آن بر اثر کشت‌های ستوالی، نژادهای جدید به دست آمده است. زمین‌های آبرفتی برای زراعت آن بسیار مناسب است.

از ساقه این گیاه به نحوی که ذکر می‌گردد، قند استخراج می‌شود.

با آنکه بعضی از گونه‌های *Sorghum* که در صفحات بعد شرح داده خواهد شد و همچنین

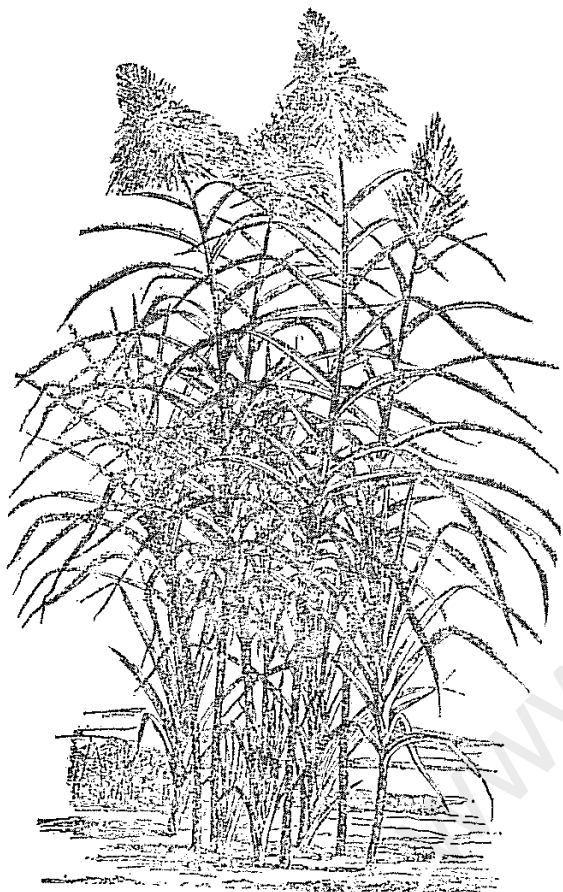
گیاهان دیگر مانند *Arenga saccharifera* (تیره خرما) و *Acer saccharinum* و غیره از نظر دارا بودن سواد قندی در ردیف گیاهان سولد قند جای دارند. معیذاً هیچیک از آنها با چغندر و نیشکر که سالانه به مقدار زیاد از آنها قند تهیه می‌شود، قابل ستایسه نمی‌باشند. نیشکر از گیاهانی است که تا قرن نوزدهم، تنها منشأ تهیه قند به‌شمار می‌رفت و امروزه نیز اهمیت خود را از این نظر از دست نداده است.



ش ۱۷۱ - *Saccharum officinarum* : شکل ظاهری گیاه - نمایش قسمتی از ساقه

برای استخراج قند، ساقه گیاه را از ناحیه مجاور سطح زمین قطع می‌نمایند و پس از جدا کردن برگ و قسمت‌های انتهائی ساقه که واجد مقدار کمی ساکارز همراه با گلوکز است، بقیه را به قطعات کوچک تقسیم می‌کنند و بلافاصله آنها را در دستگاههای فشار که از ۳ استوانه

چوبی شیاردار تشکیل می‌یابد، قرار داده، شیره را خارج می‌سازند. امروزه از دستگاههای جدید که شامل استوانه‌های فلزی است استفاده می‌کنند. عمل این استوانه‌ها طوری تنظیم گردیده که هر یک خلاف جهت دیگری حرکت می‌نمایند.



ش ۱۷۲ - *Saccharum officinarum* : شکل ظاهری چند پایه نیشکر

شیره خارج شده که *Vezou* نامیده می‌شود، دارای لااقل ۲ درصد ساکارز است و باید صاف گردد برای این کار سواد آلومینوئیدی آنرا با حرارت از بین می‌برند و در عین حال، محیط را

ترکیبات شیمیائی - دانه گیاه اثر سمی و گلوکزیدی به نام *Dhurrine* یا *Durhine* دارد. از هیدرولیزان، گلوکز، اندئیدپارااوکسی بنزوئیک (Ald. paraoxybenzoïque) و اسیدسیانیدریک نتیجه می شود و اگر مخلوط با قلیانیات، حرارت بینند تجزیه می گردد و مواد مختلفی مانند آمونیاک، گلوکز و اسید *Dhurrique* (Dhurrique) از آن به دست می آید.

بررسی های *West* و *Willeman* در سال های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ نشان داد که در زمین های غیر حاصلخیز، افزودن کودهای شیمیائی ازت دار، ایجاد اسید سیانیدریک را در گیاه افزایش می دهد ولی در اراضی آساده برای زراعت و حاصلخیز، کودازت دار بمقادیر کمتر از گلوکزید سولف اسید مذکور بوجود می آورد. بررسی های دیگر که توسط *Martin* و همکارانش در سال ۱۹۳۸ صورت گرفت نشان داد که برگ *Sorghum*، بیش از ساقه آن این ماده سمی را بوجود می آورد.

دورین (*Durine*، *Durin*)، به فرمول $C_{12}H_{19}NO_4$ و به وزن ملکولی ۲۳۸ است. از میوه (دانه) *Sorghum vulgare Pers.* (1) استخراج و بعداً توسط *Koukol* و همکارانش بیوسنتز شده است (2).

دورین به صورت صنجات کوچک در آب یا (حلال) بلوریهایی منشوری شکل در الکل، متبلور می شود. در گرمای ۳۰ درجه تجزیه می گردد. در آب و الکل حل محلول است.

پنتاستات آن به فرمول $C_{12}H_{17}NO_{11}$ است و به صورت بلوریهایی سوزنی شکل در مخلوط استات اتیل و اتردوپترول به دست می آید.

خواص درمانی - مقادیر درمانی دانه گیاه اثر سمی بآه، اشتها آور و سدر دارد. در رفع ناراحتی های منشاء صفرا مفید واقع می گردد. در درمان زخم و تومورها از آن می توان استفاده به عمل آورد (*Ayurveda*). سیاهان آمریکا از آن جوشاندهای جهت رفع ناراحتیهای کلیه و همچنین سهولت دفع ادرار تهیه می نمایند.

در ایران نمی روید.

Sorghum halepensis (L.) Serr.، *Holchus halepensis* L. - گیاهی چندساله

و دارای ساقه مرتفع متجاوز از ۲ متر (گاهی تا ۳ متر) است. برگهایی به طول ۳۰-۴۰ و به عرض ۲ سانتیمتر دارد و مانند گیاه قبلی ایجاد این ماده سمی را می نماید. در غالب نواحی گرم می روید. دانه اش اثر سدر دارد.

1 - Dunstan, Henry, Chem... News 85, 301 (1902).

2 - Koukol et al., J. Biol. Chem. 237, 3223 (1962).

با افزودن مقدار کمی شیرآهک، خنثی می کنند، سپس کف سطح شیره را خارج می سازند. گاهی نیز گاز سولفور را از شیره عبوری دهند تا رنگ روشن حاصل کند و بهترین نگهداری شود. شیره صاف شده را بعداً پس از تغلیظ، بازغال حیوانی صاف می کنند و مجدداً تغلیظ نموده در ظروف گلی می ریزند تا ملاس (قسمت غیر قابل تبلور) از آن جدا شود. با انجام عمل تصفیه و یک رشته عملیات، قند را به حالت متبلور در می آورند.

بشره ساقه و برگ گیاه مذکور، از یک لایه ضخیم موم پوشیده شده است که به صورت بیله های باریک، به وضع عمودی بر روی بشره مشاهده می گردد.

خواص درمانی - دم کرده یک قطعه برگ جوان نیشکر، اثر دفع ناراحتی های ناشی از پروستات را دارد. بعلاوه در رفع زردی، اختلالات قاعدگی و رفع التهاب روده اطفال موثر واقع می شود (*Ouensaga*).

دم کرده ریشه گیاه اثر نرم کننده و مدر نیز دارد ولی نباید به مقادیر زیاد مصرف شود زیرا ممکن است ایجاد سمومیت بنماید.

در استعمال خارج، کمپرس آبجوش که بدان، قند نیشکر افزوده باشند اگر بر روی پستان زنان شیرده اثر داده شود، خراش پستان و ناراحتی های آنرا درمان می کند.

قند، علاوه بر آنکه به صورت مختلف و در اغذیه مصرف می گردد، در عده زیادی از فرآورده های دارویی به منظور خوش طعم نمودن آنها وارد می شود. ضمناً اثر ضد سم اسلاح سس و سرب را نیز دارد.

زراعت نیشکر در ایران معمول است.

* *Sorghum vulgare* L.

Holchus durra Forsk.، *Andropogon Sorghum Brot.*

فرانسه : *Grand millet*، *Sorgho commun*، *Balai d'eau*، *Balai de jone*

انگلیسی : *Egyptian millet*، *Guinea corn*، *Great millet*، *Broom-corn*

آلمانی : *Sorgho a scopa*، *Saggina*، *Moorhirse*، *Mohrenbartgrass*؛ ایتالیائی :

عربی : ذره صیفی *Dharrah sayfi*، ذره نیلی، ذره عویجه (*uvaygh*)، ذره رفیعه

گیاهی علفی، یکساله، دارای ساقه بلند و برگهایی پهن و دراز با رگبرگ میانی برجسته و سفیدرنگ است. گلپای درشت به صورت گل آذین پانیکول بزرگ، مرکب از انشعابات با حالت راست دارد. در نواحی مختلف کره زمین، مانند جنوب آسیا، هند، سودان، سنگال و غیره می روید و پرورش می یابد.

محل رویش - گرگان : سینودشت (پیمان زرگری)، سازندران : دره هزار، پنجاب در ... ، متری، گیلان : جنگل های اطراف لاهیجان ، آذربایجان ، ۵۰ کیلو متری شرق ستر در ارتفاعات ... متری ، کرمانشاه در ۱۸۰ متری، لرستان : در ناحیه ای به نام کبارا Kebara ، اصفهان : جلنا ، فارس : بین تل خسروی و سی سخت (Sisakht) ، سیوند ، کرمان : سبزواران در ارتفاعات ... متری ، تهران : در ارتفاعات ۱۶۰ متری ، قزوین ، کرچ .

Arundo Donax L.

Donax arundinaceus Beauv.

فرانسسه : Canna comune ، C. de province ، Canne d'Inde
انگلیسی : Giant - reed ، Great - reed ، Echant pahlrohr
عربی : غاب روسی (Ghâb rūmî) ، غاب بلدی (Ghâb baladî)
فارسی : نی هندی ، تماشیر هندی^(۱)

گیاهی چند ساله و دارای ساقه توخالی ، استوانه ای شکل ، بند بند و به ارتفاع ۳ تا ۵ متر است. برگهای بدون دمبرگ ، به درازای ۶۰ و به پهنای ۵ سانتیمتر ، به رنگ سبز غبار آلود دارد. گل های آن به صورت مجتمع در انتهای ساقه ظاهر می شود و مجموعاً نیز بطول ۵ تا ۱۰ سانتیمتر می رسد .

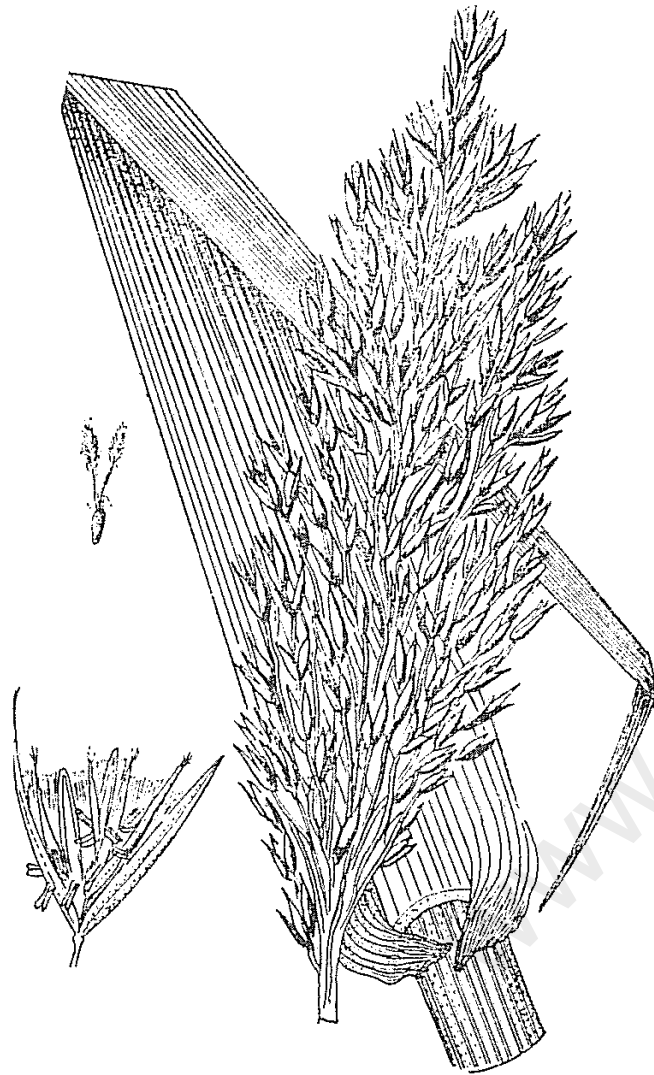
این گیاه در کنار جریانهای آب ، گودالها و استخرهای طبیعی نواحی مختلف مدیترانه و ایران به حالت خودرو می روید. قسمت مورد استفاده آن نیز ریزوم گیاه است که به غلط ریشه خوانده می شود. قطعات ریزوم گیاه ، ظاهر نامنظم ، اسفنجی و رنگ زرد نایل به خاکستری و شفاف دارد به علاوه بریدگیهای ساریچی که اثر قاعده برگهای جدا شده است ، بر روی آن تشخیص داده می شود. این قطعات که به صورت صفحاتی نازک به ضخامت ۳ تا ۵ میلیمتر در معرض استفاده قرار می گیرد . فاقد بوی و دارای طعم کمی شیرین است.

در اعضاء مختلف این گیاه ، ماده ای به نام گرامین gramine یافت می شود^(۲).

گرامین Gramine (دوناکسین Donaxine) ، به فرمول $C_{11}H_{14}N_2$ و به وزن مولکولی ۱۷۴٫۲۴ است و در گیاهان زیر یافت می شود و استخراج شده است :

۱- نام های گیاه در Flore de l' Iran, Vol. 5 - 662

۲- در بعضی از کتب داروئی ، وجود الکاوئیدی به نام دوناکسارین Donaxarine و مواد مختلف دیگری در گیاه ذکر شده است .



ش ۱۷۳ - Arundo Donax : برگ و پانیکول (به اندازه های طبیعی) - سنبلك
(زیر ذره بین) - مادگی (Hallier)

۱-	Graminaceae	از تیره	(1) Arundo Donax L.
۲-	Acceraceae	—	Acer saccharinum L.
۳-	—	—	(2) — rubrum L.

سنترگرامین، توسط Stein و kühn (در سال ۱۹۳۷) و محققین دیگر صورت گرفته است (3).
گرامین به صورت بلورهای سوزنی ضخیم و شفاف و یا ورقه های کوچک در استن به دست می آید. در گرمای ۱۳۸-۱۳۹ درجه ذوب می شود. در الکل، اتروکلورفرم به مقدار نسبتاً زیاد ولی در الکل سرد به مقدار بسیار جزئی حل می شود. عملاً در اتروپترول و آب غیر محلول است.
کلریدرات آن به فرمول HCl و $C_{11}H_{14}N_2$ ، در مخلوط متانول و بنزن حل می شود و در گرمای ۱۹۱ درجه تجزیه می گردد. در آب محلول است.

خواص دوهانی - از قطعات ریزوم این گیاه در طب عوام به عنوان مدر و بند آورنده شیر، استفاده به عمل می آید. برای این کار تیزان ۲ در هزار آن مورد استفاده زنان شیرده به منظور از شیر گرفتن کودک کان قرار می گیرد.

در استعمال خارج برای جوشانده ریشه این گیاه بصورت مالیدن به پوست سر، اثر جلوگیری کننده از ریزش مو سر ذکر شده است.

استفاده از گیاهان زیر، نقل از کتب داروئی جدید (Ouensanga Ch.) که بعضی از آنها، بنیای طبابت های قدیمه دارند، در جلوگیری از ریزش موی سر موثر واقع می شوند (4).

— جوشانده ریشه نی هندی Arundo Donax، بطوری که شرح داده شد، در رفع ریزش موی سر موثر واقع می شود. برای اینکار باید جوشانده مذکور را به حالت نیم گرم بر روی پوست سر اثر داد.

1 - Oreshoff, Norkina, Ber. 68, 436 (1935).

2 - Pachter et al., J. Org. Chem. 24, 1285 (1959).

3 - Kühn, Stein. Ber. 70, 567 (1973).

۴- ریزش موی سر علل مختلف دارد مانند آنکه اختلالات هورمونی، عدم تعادل مواد غذایی و بیماریهای پوستی (dermatoses)، ممکن است باعث ریزش موی سر شوند. ضمناً بعضی امراض مانند حصبه، سینیلیس، ذات الریه، مخملک و غیره نیز ممکن است به تفاوت سوجبات ریزش قسمتی از موی سر و یا قسمت اعظم آنرا فراهم آورند.

رعایت بهداشت موی سر، رژیم غذایی متعادل و سرشار از ویتامین ها در دارا بودن موهای فراوان و سالم موثرند.

— روغن بادام زمینی (آراشید) و روغن زیتون را به نسبت مساوی مخلوط کرده به پوست سر بمالید و به مسالیمت ماساژ دهید.

— میوه کاسلاریسیده، Persea gratissima Gaertn. را که آووکادو Avocado نام دارد، به دو قسمت نموده پس از خارج کردن مغز میوه، بخوبی له نمائید و سپس له شده را به پوست سر اثر داده بخوبی ولی به مسالیمت ماساژ دهید (1).

— برگ ختمی چینی یا Hibiscus Rosa sinensis L. را به قطعات بسیار کوچک در آورده بر روی آنها، مقدار کمی آب بریزید و بخوبی مخلوط نمایند سپس پوست سر را با آن شستشو و به مسالیمت ماساژ دهید.

— علف چشمه یا بولاغ اوتی (Nasturtium officinale R. Br.) را از محل رویش، خارج کنید و پس از شستن ریشه گیاه، آنرا به قطعات کوچک تقسیم نموده در دستگاه آب میوه گیری بریزید و عصاره تازه حاصل از گیاه را به پوست سر بمالید و ماساژ دهید.

— برگ ودانه له شده کنبج را در مقدار کمی آب وارد نموده و پوست سر را با آن بشوئید. خاتماً پس از خشک کردن نیز، پوست سر را با کمی روغن کنبج ماساژ دهید.

— پوست سر را با شیره پیاز (آب پیاز) ماساژ دهید.
— در آب نارنج که تازه تهیه شده باشد مقداری روغن کرچک بریزید و پوست سر را با این مخلوط ماساژ دهید (Ouensanga).

محل رویش - نواحی مختلف البرز، کرج در ارتفاعات ۱۴۰۰ متری، دوشان تپه (تهران)، نواحی شمالی ایران، گرگان، ۹ کیلومتری شمال گرگان، خوزستان: مسجد سلیمان، خراسان: خرب بالا (Kharbe Bala)، لرستان: شیبازان در ارتفاعات ۱۰۰ متری، فارس: شاهپور در ارتفاعات ۱۰۰ متری و بلوچستان.

Agropyron repens (L.) P. Beauv.

Triticum repens L.

فرانس: Chiendent officinal، Petit Chiendent، Chiendent

انگلیسی: Common Wheat - Grass، Dog's grass، Quick - Grass

آلمانی: Gemeine Queck، Graswurzel، Queckenwurzel

ایتالیائی: Granaccino، Gramigna bastarda، Caprinella، Gramigna

فارسی: مرغ (Margh) عربی: نجم، نجیل (Nigil)، ثیل (Thil)

گیاهی علفی، پایا و دارای ریزوم افقی و گه داری است که از محل هر گره آن، ریشه های

۱ - میوه این گیاه به ندرت در بازارهای ایران یافت می شود.

کوچک خارج می‌شود. سرعت پراکندگی آن به حدی است که اگر در زمین سماعدی راه یابد، در اندک مدتی آن را اشغال می‌کند. برگهای آن دراز، نوک تیز، غلاف دار، به رنگ سبز غبارآلود و سطح فوقانی پینک آن، کمی پوشیده از کرک است در حالی که سطح تحتانی پهنک، صاف می‌باشد. گلپای آن که در فاصله ماههای خرداد و تیر ظاهر می‌شوند، به رنگ سبز روشن و مجتمع به صورت سبدهای به درازای ۸ سانتیمتر می‌باشند. میوه اش گندمه، دراز و بیضوی، دارای یک سمت محدب و سمت دیگر بایک شیار طولی است.

شبن دان، در اراضی بایر غالب نواحی معتدله مخصوصاً در ایران به حد فراوان می‌روید. قسمت مورد استفاده آن نیز، ریزوم گیاه است که معمولاً به غلط ریشه خوانده می‌شود.

ریزوم شبن دان را پس از آنکه از زمین خارج نمودند، به خوبی شسته، سپس عاری از ریشه و آلودگیهای خاک می‌نمایند، بعداً آن را به قطعاتی تقسیم و خشک می‌کنند. ریزوم‌ها دارای گره‌هایی است که فاصله بین هر دو تای آنها، ۲ تا ۳ و حتی ۵ سانتیمتر می‌باشد، بعلاوه بر روی آن‌ها شیارهای طولی قابل تشخیص است.

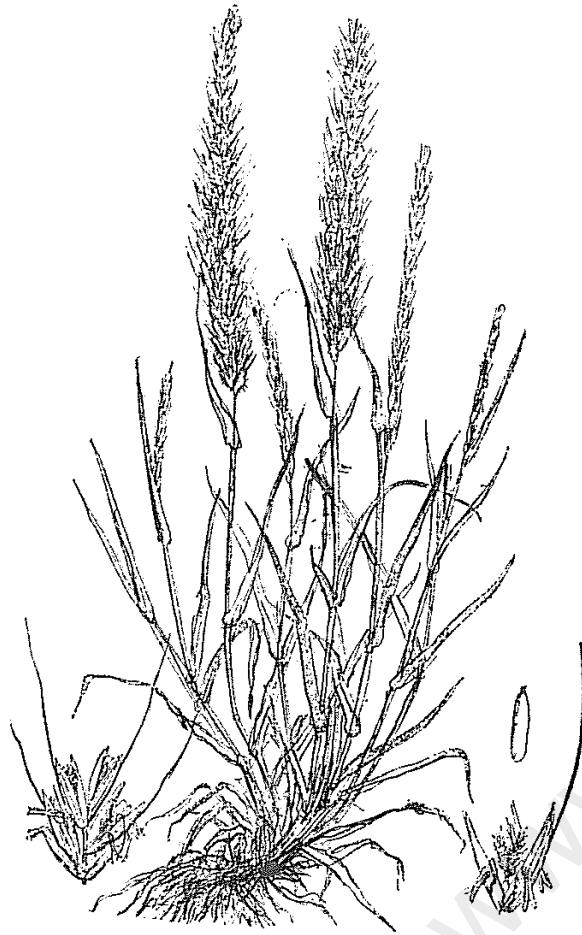
رنگ آنها زرد، فاقد بو ولی دارای طعم کمی شیرین و لعاب دار است در محل گره‌های ریزوم، اثر ریشه‌های قطع شده، مشاهده می‌گردد.

ترکیبات شیمیائی - ریزوم شبن دان دارای ۳ درصد قند، اینوزیت و تری تیبسین Triticine است. از عیدرولیز ماده اخیر آن، لولز و اصلاح پتاسیم بدست می‌آید.

خواص درمانی - ریزوم این گیاه اثر مدر، معرق، تصفیه کننده خون و نرم کننده دارد. تیزان آن که معمولاً شیرین بیان به آن می‌افزایند، برای رفع خشکی زبان، فعال کردن عمل دستگاه ترشح ادرار و همچنین در سواردتب به عنوان خنکی مصرف می‌شود. شبن دان از داروهای مدر بسیار مفید، در درمان نقرس و رسائیسیم تشخیص داده شده است. بعلاوه مصرف آن در تمام مواردی که حالات التیابی در دستگاه هضم و مجاری ادرار وجود دارد و همچنین در قولنج‌های کبیدی، زردی، قولنج‌های کلیوی (Coliques nephritiques)، سنگ کلیه، انسداد مجاری کبد و طحال، توصیه شده است. ضمناً نتایج خوب از آن در درمان حالات نرله‌ای سینه، آب آوردن انساج، بواسیر، بیساریهای مزمن پوست و غیره به دست می‌آید.

عصاره ریشه آن جهت درمان بیساری قند سفید تشخیص داده شده است. بررسی اطباء قدیم مانند Fourcroy که در سال ۱۷۵۵ تا ۱۸۰۶ میلادی صورت گرفت، نشان داد که برگ و ساقه‌های جوان گیاه، اثر قاطع در رفع قولنج‌های کبیدی، زردی، سنگهای صفراوی و همچنین بیماریهای سیستم لنفاتیک و گانگلیون‌ها دارد.

برای شبن دان (Chiendent)، در بعضی کتب دارویی اثر کاهش دهنده حجم غدد.



ش ۱۷۴ - *Agropyron repens*: گیاه کامل، سبک، میوه

پروستات (آده نوم پروستات) و همچنین پائین آورنده کلسترول خون در سواردی که مقدار درصد آن در خون افزایش می‌یابد ذکر شده است (Morelli, I).
از شبن دان امروزه بیشتر در طب عوام استفاده به عمل می‌آید.

۱- نسخه تصنیف کننده و نیرو دهنده جریان خون

۱۵	ریزوم شین دان (<i>Agropyrum repens</i>) ^(۱)
۶۰	برگ انگور قرمز
۱۰	دم اسب <i>Equisetum arvense</i>
۱۰	برگ گردو
۱۵	ریشه شیرین بیان
۲۵	پوست سیاه توسه <i>Frangula Alnus</i>
۱۰	سرشاخه گلدار زوفا

اعضای گیاهان را به نسبت فوق باید کاملاً مخلوط نمود و سپس جوشانده‌ای با ۳ تا ۴ قاشق آن در نیم لیتر آب تهیه کرد و پس از سرد و صاف شدن، در طول مدت روز یا ضمن غذا خوردن مصرف نمود.

۲- جوشانده سمنبل

۱۵ گرم	شین دان (سرغ Margh)
» ۱۵	ریشه ختلی به صورت قطعات ریز
» ۳۰	» ترشک <i>Rumex patientia</i>
» ۱۵	» شیرین بیان
» ۸	برگ کاسنی
» ۳۰	برگچه سنا
» ۴	ریوند چینی ^(۲)
» ۴	سولفات سدیم

گیاهان به ردیف اول را باید به مدت ۱ دقیقه در ۳ بطری آب جوشانید و سپس بقیه را به جوشانده مذکور (در حال جوش) افزوده، ظرف محتوی آنها را از گرمای دور کرد و به مدت ۲ ساعت به حال خود باقی گذاشت تا به خوبی دم کند سپس صاف کرده به ۲ یا ۳ قسمت نمود. قسمت اول را صبح ناشتا مصرف کرد و اگر ضرورت پیدا کرد، ۲ قسمت دیگر را بر حسب تأثیری

۱- جنس *Agropyron* در کتب داروئی با نام سیئونیم آن یعنی *Agropyrum* نیز وارد شده است.

۲- ریوند چینی، قطعات ریزوم (ساقه زیرزمینی) گیاهی به نام *Rheum officinale* (از تیره هفت بند - جلد چهارم این کتاب) است که بومی ایران نیست ولی قطعات ریزوم آن تحت نام ریوند چینی در بازارهای داروئی ایران یافت می‌شود.

که نموده است بکاربرد (Dorv. 1982).

صورت داروئی - عصاره آبی و دم کرده ۲۰ در هزار.

محل رویش - غالب نقاط ایران، نواحی البرز، کرج؛ سردآباد، بین تهران و قزوین در ارتفاعات ۱۲۵۰ متری، دماوند در ارتفاعات ۲۶۴ متری، نواحی شمالی ایران، گرگان؛ شاه کوه، گیلان؛ آستارا، جنگل حیران، مازندران؛ گدولک، کجور در ارتفاعات ۲۵۰۰ متری، آذربایجان؛ جنگل حسن بگلودر قره داغ، اطراف تبریز، کوههای سیلان در ۲۷۰۰ متری، همدان؛ فقیر (Faghire)، مشرق ایران، خراسان، تفرش، کوه دالکی، لرستان؛ درود، فارس؛ کوه دنیا، سمنان - دامغان؛ ۱۰ کیلومتری شمال چشم (Jashm) در ارتفاعات ۲۳۵۰-۲۶۰۰ متری.

غلات اسانس دار

اعضای مختلف برخی گیاهان تیره غلات به علت دارا بودن اسانس و مواد معطر قابل استخراج، از قدیم الایام به مصارف تهیه روغن‌های معطر و بخور، به منظور استفاده در مراسم مذهبی و غیره می‌رسیده است. تدریجاً بهره برداری از این گیاهان بین سلسل مختلف رواج یافت بطوری که در اروپا هنوز هم از آنها، در عطرسازی یا تهیه محلول‌های حشره کش و در کشور هند از آنها برای تهیه اسانس یا درمان رماتیسم، به صورت مالش دادن بروی عضو یا رفع دردهای عصبی و یا در مصارف داخلی به عنوان نیرو دهنده، استفاده به عمل می‌آورند.

بعضی از این گیاهان، در آغاز متعلق به جنس *Andropogon* شناخته شده بودند ولی مطالعات علمی وارزنده دانشمند گیاه شناسی به نام Stapf که در هرباریوم و باغ گیاهی Kew در لندن صورت گرفت، نشان داد که باید در جنس دیگری به نام *Cymbopogon* جای داده شوند. غلات اسانس دار سهم به شرح زیرند:

***Cymbopogon Schoenanthus* Spreng**

Andropogon Schoenanthus L.

فرانسوی: Foin de chameau، J. aromatique، Jonc odorant، Schénanthie

انگلیسی: Scenanth، Germanian grass، Sweet rush، Camel's hay

آلمانی: Citronengras، Kamelshov، Squinante، Fieno di camello

عربی: تبین مکه (Tibn makkah)، خلال ماسونی (..māmūnī)، اذخر Idhkhair

گیاهی چند ساله، دارای ساقه راست و به ارتفاع ۳۰-۴۰ سانتیمتر است و چون برگهای

باریک و دراز، به وضع پرپشت دارد، به صورت بوته‌ای فشرده جلوه می‌کند. برگهای آن ظاهری باریک و دراز و منتهی به نوک تیز دارند. از مجموع سنبلکهای آن، سنبله‌های درازی با ظاهر مشخص بوجود می‌آید. در جنوب آسیا و احتمالاً بطوری که در بعضی کتب علمی وارد گردیده در بعضی نقاط جنوب ایران، افغانستان و شمال آفریقا پراکنده است.

از ساقه برگدار و گلدار، ارگیا و حتی قاعده ساقه آن، نوعی اسانس تهیه می‌شود که بوی معطر و مطبوع دارد. بیرنگ یا دارای رنگ زرد روشن و به وزن مخصوص ۰.۸۸۸. تا ۰.۸۹۰. است. در الکل رقیق حل می‌شود، بدون آنکه آنرا کدر نماید.

ترکیبات شیمیائی - اسانس مذکور مخلوطی از ترین‌ها، دیپانتن، ژرانیول، سیترونل- لول Citronelloi آزاد یا به حالت ترکیب و اتره است. بعلاوه مقداری اسید استیک و اسید کاربونیک Ac. carbonique نیز همراه دارد. از این اسانس، کمتر برای مصارف درمانی استفاده به عمل می‌آید.

خواص درمانی - قسمتهای مختلف گیاه در درمان برونشیت، جذام و حالات صرع اطفال مفید واقع می‌گردد. اسانس آن به صورت مالدین، در رساتیس و رفع دردهای عصبی مصرف می‌شود. برای جوشانده اعضای گیاه اثر تب‌بر قائل اند.

محل رویش - قصر شیرین، صالح آباد، کرمان؛ کوه جوپار در ارتفاعات ۲۷۰۰ متری، بلوچستان (Fl. P' de Iran). در کتب علمی دیگر مانند فلورا - ایرانیکا، وجود آن در ایران ذکر نشده است.

Cymbopogon iwarancusa Schull. *، ساقه‌ای بلند، به طول ۱ تا ۱٫۸ متر و ریشه‌ای بسیار معطر و پیچیده به هم دارد. در هند، پیشاور و سند می‌روید. در ایران یافت نمی‌گردد.

در اسانس این گیاه ماده‌ای به نام پیپه ریتون وجود دارد.

پیپه ریتون Piperitone، به فرمول $C_{15}H_{24}O$ و به وزن ملکولی ۲۲۳.۴۰ است. ماده‌ای است که در اسانس گیاهان مختلف بشرح زیر وجود دارد و استخراج شده است:

۱- *Cymbopogon jwarancusa Schull.* از تیره Gramineae

۲- *sennaarensis Chiov.* (1)

۳- در اسانس انواع مختلف *Mentha*

۴- در فرم راسمیک اسانس *Eucalyptus* ها

پیپه ریتون دارای فرم‌های لووژیر (چپ‌گرد)، دکستروژیر (راست‌گرد) و راسمیک است. سنتز فرم راسمیک آن توسط Church و Misrock در سال ۱۹۵۷ صورت گرفته است (1). فرم‌های دکستروژیر، لووژیر و راسمیک آن، حالت سایع دارند. فرم راسمیک آن بوی *Mentha piperata* را می‌دهد و در گرمای ۳۲- تا ۳۵ درجه می‌جوشد.

پیپه ریتون، در دانه‌انپزشکی مصرف دارد.

این گیاه اثر هضم‌کننده، اشتهاآور، مقوی معده و سدر دارد. در رفع ناراحتیهای پوستی و کمی دفع ادرار، استفراغ و غیره مؤثر است. به عنوان دفع رسوبات ادراری، قاعده‌آور، ضد نفخ و تصفیه‌کننده خون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

* *Cymbopogon citratus* (DC) Stapf

Andropogon Citratus DC.

فرانسوی: *Herbe Citron*، *Chindent citronelle*؛ انگلیسی: *Melissa grass*، *Lemon grass*؛ آلمانی: *Citrongras* ایتالیایی: *Erba di limone*؛ عربی: *حشيشة الليمون Hash. el laymûn*؛ گیاهی چند ساله، دارای ساقه بلند و برگهای خشن، باریک دراز، بابوی مطبوعی شبیه بوی لیموست. از تقطیر قسمت فوقانی برگهای آن تحت اثر بخار آب، اسانسی تهیه می‌شود که دارای ۷۰ تا ۸۰ درصد سیترال، ۷ تا ۸ درصد سیترونل لول و ۴ درصد ژرانیول است. این اسانس رنگ زرد دارد. وزن مخصوص آن بین ۰.۸۹۹ و ۰.۹۰۸ است. در صورت تازه بودن در ۳ برابر حجم خود الکل ۷۰ درجه حل می‌گردد ولی اگر کهنه شود، تغییراتی پیدا می‌کند و کدر می‌گردد. درجه انحلال آن نیز برحسب کیفیت گیاه، طریقه کشت و غیره تفاوت می‌نماید. این گیاه در وسعت پهناوری از نواحی شمالی و جنوبی آفریقا، جنوب شرقی آسیا و هند می‌روید و معمولاً در مناطق خشک و سنگلاخی و همچنین در زمین‌های بایر پراکنده‌گی دارد.

خواص درمانی - کلیه قسمتهای گیاه، اثر سلین، اشتهاآور و ضد کرم دارد. برای آن اثر مقوی باه قائل اند. در رفع صرع، مفید واقع می‌گردد. از آن برای درمان نفخ و تحریکات معده می‌توان استفاده نمود. در بیماری ویا، اگر مصرف‌گردد موجب آرام کردن بیمار و متوقف شدن استفراغ، در سرحال بیماری می‌شود. مالدین روغن آن بر روی عضو، اثر آرام‌کننده در رساتیس‌های مزمن، دردهای عصبی و در رفتگی (رگ به رگ شدن) دارد. در بعضی نواحی نیز دم‌کرده برگهای گیاه به صورت چای، جهت رفع تب مصرف می‌گردد.

اسانس حاصل از این گیاه که به *Essence de verveine des Indes* موسوم است، در عطر سازی مصرف می‌شود.

در ایران نمی‌روید.

C. felxuosus Stapf * ، از گونه‌های دیگر گیاه فوق است که در هندوستان پرورش می‌یابد و چون اسانسی که از آن به دست می‌آید مطبوع‌تر از گونه فوق است، به همین علت بیشتر مورد توجه می‌باشد. اسانس آن دارای ۷۰ تا ۸۰ درصد سیترال و الدنئیدی بابوی قوی همراه با کمی ژرانئول آزاد یا اتریفیه است.

از واریته‌های مختلف *C. martini* Stapf * ، مخصوصاً *Var. sofia* و *Var. motia* نیز نوعی اسانس تهیه می‌شود. اسانس واریته اول به *Palma - rosa* و اسانس واریته دوم به *Ginger - gras* موسوم می‌باشد.

اسانس پالما - روزا - *Essence de Salma - rosa* ، مرکب از ۷۰ تا ۹۰ درصد ژرانئول است که ۳ تا ۱۳ درصد آن به حالت اترهای استیک و کاپ روئیک ، همراه با دیپانتن و مقدار بسیار جزئی از متیل هپنتون *Méthylhepténone* می‌باشد .

اسانس *Ginger - grass* که از *Var. sofia* تهیه می‌شود دارای مقدار زیادی ژرانئول، اسیدهای دی هیدروکومینیک *ac. dihydrocuminiq* و مقدار کمی کارون *carvone* است. پرورش گیاه مولد آن در پنجاب صورت می‌گیرد. در این ناحیه ، گل و ساقه برگدار گیاه را قبل از فرا رسیدن نخستین یخبندان ، می‌چینند تا مقدار درصد اسانس آن حداکثر باشد . ساقه گیاه مذکور نیز دارای اسانس ولی به مقدار کم، معادل ۳ ر. درصد است.

C. Nardus Stapf * ، *Andropogon Nardus L.* - از برگ‌های باریک و دراز این گیاه، اسانسی بابوی مطبوع در سیلان، ژامائیک، گویان فرانسه، مالاکا، هندوچین و فورسز، به نام **اسانس سیترونل** *Essence de Citronelle* تهیه می‌شود.

دو واریته از آن یکی به نام *Maha Pangiri* در جاوه و دیگری به نام *Lana - batu* در سیلان وجود دارد.

اسانس سیترونل که به **اسانس سیترونل لا** (*Citronella oil*) نیز موسوم است ، رنگ زرد تیره یا زرد مایل به قهوه‌ای و بوی دلپذیری شبیه بوی لیمو دارد . از تقطیر گیاه مذکور و نوع *C. Winterianus* (مارتیندال) یا واریته‌ها و دورگه‌های آنها به دست می‌آید. ماده اصلی تشکیل دهنده آن، ژرانئول و سیترونل لال *citronellal* می‌باشد بعلاوه دارای مواد دیگر مانند کاسفن (به مقدار ۱۰-۱۵ درصد) ، دیپانتن و مقدار بسیار کم از لینلول،

بورئول و فارنه سول *farnesol* (سرك - ایند کس) است. در بازارهای دارویی، بطوریکه ذکر شد، دونوع از این اسانس یافت می‌شود که از نظر بو و ترکیب شیمیایی با یکدیگر تفاوت دارند مانند آنکه اسانس سیترونل سیلان بطوریکه در *Martindale* (1982) منعکس است، به وزن مخصوص ۸۹۰ ر. تا ۹۰۰ ر.، دارای ۱۰ درصد سیترونل لال و در حدود ۱۸ درصد ژرانئول می‌باشد در صورتیکه اسانس سیترونل جاوه ، به وزن مخصوص بین ۸۸۰ ر. تا ۸۹۰ ر.، دارای ۳۰ درصد سیترونل لال و در حدود ۲۱ درصد ژرانئول می‌باشد.

اسانس سیترونل باید در جای سرد، در ظروفی بادبسته بسدود ، به حالت سملو و دور از نور نگهداری شود.

سوارد مصرف اسانس سیترونل، منشاء تهیه ژرانئول است بعلاوه چون حشرات از آن قرار می‌کنند آثرا به پوست بدن می‌مانند تا از گزند آنها مصون باشند. از این اسانس در تهیه انواع بریانتین (روغن سوی سر) و صابون‌های عطری نیز استفاده بعمل می‌آید. ضمناً باید توجه داشت که بعضی افراد نسبت به این اسانس حساسیت دارند.

از اسانس سیترونل جهت تهیه نوعی محلول الکلی (*Citronella spirit*) که مخلوط یک گرم اسانس ، در ۹۹ گرم الکل ۸۰ درجه است و همچنین در تهیه مایع سیترونل لال که مرکب از ۳ گرم محلول الکلی مذکور و ۹۷ گرم آب است و بایده به حالت تازه یعنی در هنگام مصرف ساخته شود، استفاده می‌شود . در ایران نمی‌روید.

C. giganteus Chiov. * ، که در سودان فراوان می‌روید ، دارای سوش و ریزوم اسانس دار است. دم کرده آن جهت رفع تب زرد در سودان مصرف می‌شود. ضمناً این دم کرده را بر روی پوست بدن مالش می‌دهند.

اسانس حاصل از آن، رنگ زرد دارد و بسیار معطر است. ماده اصلی اسانس معطر آثرا نیز فلاندرن تشکیل می‌دهد.

C. proximus (Hochst ex Rich) Stapf * - گیاهی است که در سمر ، لیبی و الجزایر می‌روید. استنشاق دود حاصل از سوزاندن گیاه، برای درمان انفلوانزا و بیماریهای منشاء عصبی به کار می‌رود. ضمناً خیسانده گیاه در آب (به مدت یک هفته) و یادم کرده آن پس از سرد شدن ، برای منظور فوق مصرف می‌شود.

در ایران نمی‌روید .

* *Vetiveria zizanioides* Stapf

Andropogon muricatus Retz. ، *Anatherum Zizanoides* (L.) Hitch. & Chase

فرانسه : *Vétiver* ، *Ghiendent des Indes* هندی : *Bena* ، *Bala*

انگلیسی : *Cuscus* ، *Khuskhus* ، *Koosa* عربی : از خیر (*Izkhîr*)^(۱)

گیاهی چند ساله ، پرپشت و دارای ریزوم خزنده ، منشعب و پوشیده از ریشه های معطر است. در ایران نمی روید ولی در تمام هند، برمه و گینه پراکنده گی دارد. ساقه بلند آن گاهی به طول متجاوز از ۱ متر می رسد. برگهای آن باریک ، به طول ۳ تا ۵ م، به عرض متوسط ۵ سانتیمتر و دارای حالت خشن در لمس کردن می باشند. گل آذین پانیکول آن گاهی به طول ۳ سانتیمتر می رسد و مرکب از خوشه هایی است که سنبلكها بر روی آن جای دارند.

ترکیبات شیمیائی - از ریشه این گیاه، اسانس به دست می آید که به اسانس وتی و *Vetiver oil* (Gus cus oil ...) موسوم است و ترکیب شیمیائی آن بطوریکه در کتب علمی جدید منعکس است، برحسب ناحیه ای که در آنجا تهیه می شود فرق می نماید. اسانس ناحیه جاوه و جزایر رئونیون دارای ۸ تا ۳۵ درصد (معمولا ۱۵ تا ۲۷ درصد) از سزکوئی ترین - ستن است که از آنها، ۲ نوع **آلفا و بتا وتی وون** (α و β vetivone) استخراج می شود بعلاوه دارای ۴ تا ۶ درصد از **وتی وروول** *vétiverol* و الکل های دیگر مانند **وتی وروول** *vétirool* و غیره، همراه با ترکیبات دیگر مانند **اسید وتی ونیک** (*Vetivenic acid*) به فرمول $C_{10}H_{14}O_4$ ، **اسید پالمیتیک** ، **اسید بنزونیك** ، **وتی ون** *vetivene* و غیره است (سرك - ایندکس).

اسانس مذکور ، حالت مایع ، چسبنده ، رنگ قهوه ای قرمز و بوی معطر و قوی دارد . در ۱-۳ حجم الکل ۸۰ درجه حل می شود ولی بهر نستی در روغن های ثابت و روغن های معدنی (کسی حالت کدر پیدا می کند) محلول است. عملا در گلیسرول و پروپیل گلیکول (*propyl glycol*) غیر محلول می باشد . باید در جای خنک و دور از نور نگهداری شود . از این اسانس، در تهیه صابون های معطر و در عطر سازی به منظور ساختن ترکیبات مختلف عطری ، استفاده بعمل می آید.

وتی وون ها *Vetivones* ، به فرمول $C_{10}H_{14}O$ و دارای ایزومرهای **آلفا و بتا** می باشند .

۱ - این گیاه در بعضی کتب علمی به نام عربی (*Neguil el hind*) وارد شده است

(Dorvault, 1948) .



ش ۱۷۵ - *Panicum miliaceum* گیاه کامل (اندازه طبیعی)

ایزوسر آلفا (a - vetivone) ، بوی قوی‌تر از نوع بتا دارد . استخراج و تعیین فرمول منبسط آن توسط Pfau و Platner انجام گرفته است (1).

بتا - وتی وون ، به صورت بلورهای پنج وجهی به دست می‌آید و در گرمای ۴۰-۴۵ درجه ذوب می‌شود .

وتی وون ها ، در عطر سازی حائز اهمیت اند .

خواص درمانی - ریشه گیاه اترسوی وقابض دارد . برای آن اثر خواب‌آور ودرمان‌کننده سیلان منی قائل‌اند . دم کرده آن جهت رفع تب و ناراحتی‌های منشاء صفرا مؤثر ذکر شده است .

در ایران نمی‌روید .

در تیره غلات، گیاهان مفید دیگر و همچنین برخی نمونه‌های سمی وجود دارد که به ذکر آن‌ها چون قابل اهمیت‌اند ، به شرح زیر مبادرت می‌شود :

Panicum miliaceum L. - گیاهی یکساله، دارای ساقه راست نسبتاً مرتفع و برگهای دراز ، نوک تیز ، غالباً پوشیده از تار یا فاقد آن است . مجموعه گل آن به خلاف تعدادی از گیاهان این تیره ، به صورت خوشه بزرگ و منشعب می‌باشد که پس از رسیدن کاسل، گاهی به حالت آویخته در می‌آید .

میوه این گیاه به صبارف تغذیه می‌رسد . اثر مدر دارد و آرد آن سابقاً صبارف زیاد جهت درمان بیماری‌های سینه و اسهال های ساده داشته، در سوارد تب به کار می‌رفته است . در نواحی جنوبی روسیه از آن نوعی الکل تهیه می‌نمایند .

این گیاه در گرگان: مینودشت (رویا زرگری)، سازندران : هزار جریب، آذربایجان : یام و اطراف تهران: محمودیه می‌روید بعلاوه پرورش می‌یابد .

Pennisetum thyphoides Stapf, Hubb. - گیاهی یکساله، به ارتفاع ۲ متر و دارای برگهای باریک و دراز و نوک تیز است . در نواحی نیمه کویری سودان می‌روید . میوه آن دارای ۱۲ درصد آب ، ۷۵ درصد آمیدون ، ۱۰ درصد مواد ازته و ۳ درصد روغن می‌باشد . این روغن قابلیت تغذیه دارد . نوعی لیکور به نام Couscou از آن تهیه می‌شود . وجود آن در بلوچستان و خراسان ، بطوری که در بعضی کتب علمی ذکر گردیده، مشکوک به نظر می‌رسد .

Coix lacryma - Jobi L.

C. pendula Salisb. ، C. lacryma L.

فرانسده : Larmille ، Coix larme ، Larmillé des Indes ، Larmes de Jobe

انگلیسی : Hiobstränengras ، Job's tears ، Coix millet ، Gromwell reed ، آلمانی: Hiobstränengras

ایتالیائی: Lacrime di Gesu ، Erba da Corone ، Lacrima di Giobbe

عربی : دمع ایوب (Dam' Ayüb)، بدرانج (Badrâng)، اندریان (Amadrayân)

گیاهی یکساله یا پایا و دارای ساقه‌ای بلند ، به طول ۰ سانتیمتر تا یک متر و حتی بیشتر است . از گره‌های قاعده ساقه آن بر اثر تماس با زمین، ریشه‌های نابجائی ظاهر می‌شود که موجب پیدایش پایه‌های جدید می‌گردند . برگهای بلند و دراز ، به طول ۱۰-۱۵ سانتیمتر و به عرض ۰۳ سانتیمتر ، منتهی به نوک باریک دارد . کناره‌های پهنک آن دارای حالت ناصاف است . سنبلكهای نرو ماده آن، مجموعاً سنبله پایه‌دار بوجود می‌آورند . نوع نر سنبلكها ، از ۲ گل تشکیل می‌یابد و به تعداد زیاد در راس گل آذین‌ها ظاهر می‌شود ولی انواع ماده سنبلكها، یک گل زایا در قاعده گل آذین دارند و انولوکری بسیار سخت و شفاف با ظاهر مخروطی، آنرا خارج فرا می‌گیرد فقط ناحیه راس آن کمی باز است . منشاء اولیه این گیاه در هند بوده از آنجا به نواحی دیگر پراکندگی یافته است .

این گیاه در مناطق مختلف آسیا منجمله ایران یافت می‌شود و بعلاوه در بعضی نواحی پرورش می‌یابد .

چون میوه گیاه ظاهری شبیه قطره اشک و سروراید مانند دارد از این جهت به نام (اشک ایوب) نامیده شده است .

خواص درمانی - دانه گیاه طعم تلخ و اثر کم کننده وزن بدن دارد . به عنوان مقوی و مدر مصرف می‌شود (yunani) . از ریشه آن بتفاوت در نواحی مختلف جهت رفع عوارض - یائسگی و در عدم دفع ادرار استفاده می‌گردد . در چین ، مالایا و فیلیپین از آن نوعی مشروب درمانی برای معلولین و همچنین جهت افراد ضعیف و ناتوان تهیه می‌نمایند که در عین حال مدر و ضد نزله است .

محل رویش - گیلان : رشت .

Cynodon Dactylon (L.) Pers.

Panicum Dactylon L. ، Chloris Cynodon Trin.

فرانسه : Chiendent pied de poule، Gros Chiendent، Herbe de Bermudes

انگلیسی : Hundszalngras ؛ Dog's tooth - grass ، Bermuda - grass

ایتالیائی : Graminga maggiore، Dente canino، عربی : ثیل (Thil)، نجیر، نجیل

گیاهی کوچک، چندساله، دارای دو نوع ساقه، یکی هوایی، به وضع قائم و دیگری خمیده واقع در زیر خاک است و از آن جا بجا، پاجوشیائی که هر یک منجر به یک گیاه علیحده می‌گردد خارج می‌شود که خود، وسیله تکثیر گیاه را در محیط زندگی فراهم می‌آورد. ارتفاع ساقه هوایی آن ۱-۲ سانتیمتر است. در کنار جاده‌ها، سزارع و اماکن متروک، مخصوصاً اگر زمین مسطح باشد می‌روید. گل‌های ریز و سایل به بنفش (گاهی سایل به سبز) آن، در اواخر بهار ظاهر می‌شوند و تا اوایل زمستان باقی می‌مانند. برگ‌های آن به رنگ سبز مات، باریک و اغلب پوشیده از تار در سطح تحتانی پهنک می‌باشند. قسمت آزاد پهنک نیز تدریجاً پهنای کم پیدا می‌کند و به نوک باریک و دراز منتهی می‌شود. از مشخصات گیاه که سهولت تشخیص آنرا فراهم می‌آورد آن است که ۷-۸ سنبله باریک و دراز (حتی بیشتر)، منتهی به یک نقطه واقع در راس یک پایه باریک و دراز دارد و در طول هر یک از سنبله‌ها نیز سنبلک‌های کوچک و دارای یک گل، به وضع منفرد و عاری از دسگل، دیده می‌شود.

در منطقه وسیعی از اروپا، آسیا و آفریقا می‌روید. در بعضی نواحی آمریکا نیز به حالت خودرو در آمده است.

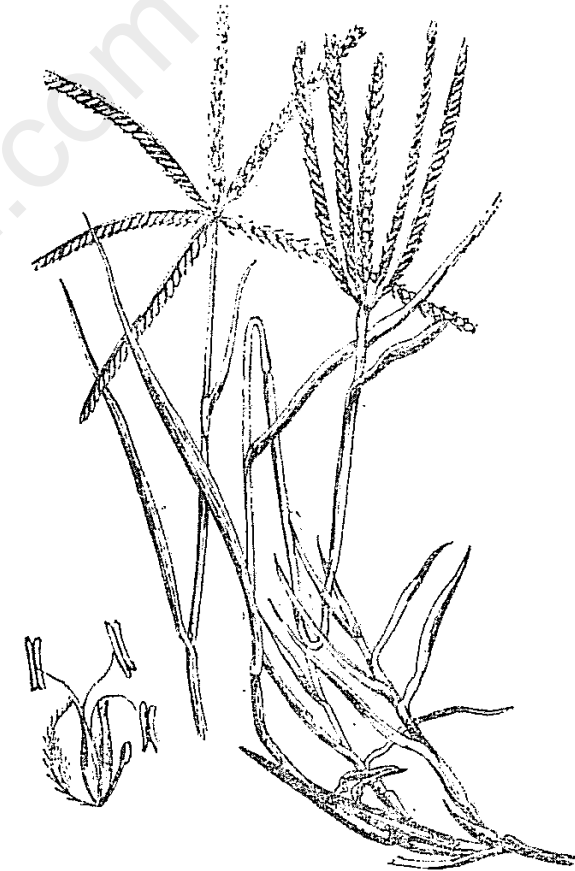
خواص درمانی - از قسمتهای مختلف گیاه می‌توان جهت رفع استقرخ، احساس گرفتگی، ناراحتی‌های هضمی بنشاء صفرا که با تهوع و تلخی دهان و سردرد همراه است، همچنین درمان صرع، رفع بیماریهای جلدی، باد سرخ، جلوگیری از رعاف (خون آمدن از بینی) استفاده نمود. اثر التیام دهنده، خلط‌آور و درمان التهاب و ورم مخاط دهان دارد. شیره گیاه تازه اگر بر روی بریدگیها و زخمهای تازه اثر دارد، باعث التیام و بهبود سریع آنها می‌گردد به علاوه بدر است و می‌تواند در موارد جمع شدن آب در بافتهای بدن و استسقاء مورد استفاده قرار گیرد.

بررسی‌های B. D. Basu نشان داد که شیره گیاه تازه در رفع هیستری، صرع و تسکین ناراحتیهای بیماران روانی، اثرات مفید ظاهر می‌کند. بررسی‌های Koukan نشان داد که جوشانده گیاه مخلوط با جوشانده گیاهانی که اثر مشابه دارند می‌تواند در رفع دیسانتری و زیادی



ش ۱۷۶ - Coix lacryma - Jobi : گیاه کامل ۲/۱ اندازه طبیعی - نمایش
سنبلک نر در راس گل آذین و سنبلک ماده در قاعده آن با ظاهر مخروطی (Fl. of Iraq)

خون قاعدگی، اثرات قاطع ظاهر سازد. در بعضی نواحی از ریزوم آن با اثر دادن بروی عضو، برای رفع ناراحتی‌های رساتیمیسی استفاده می‌شود.
برای ریشه این گیاه اثر دفع سنگهای صفراوی نیز ذکر شده است. برای اینکار ۱۵



ش ۱۷۷ - *Cynodon Dactylon* - نمایش دو قسمت از گیاه کامل
(اندازه طبیعی) - سنبلک شامل یک گل

گرم ریشه خشک گیاه را به مدت ۱ دقیقه در یک لیتر آب بجوشانند و محلول حاصل را پس از سرد شدن و صاف نمودن مصرف می‌کنند.

محل رویش-گرگان: بندرگز، سینودشت (رویا زرگری)، مازندران: حاشیه سرداب- خزر، دره هراز در ۱۰۰۰ متری، گیلان: جنوب آستارا، آذربایجان: سبلان، شرق تبریز، کردستان: جنوب سنندج در ۱۴۵۰ متری، کرمانشاه در ۱۷۰۰ متری، همدان: بین سنندج و همدان در ۱۲۰۰ متری، اصفهان: حاشیه زاینده رود، خوزستان: آبادان، سیاحال، لرستان: درود در ۲۵۰۰ متری، فارس: نزدیک بوشهر، کازرون، بین دالکی و خشت، کونار در نزدیکی دالکی، کوه دینار، حاشیه رودخانه نمک دریا نزدیک شیراز، بندرعباس، ایزین، حاجی لر، در نزدیک طارم در ۹۰۰ متری، کرمان: سبزواران، جیرفت در ۷۰۰ متری، بم، ماهان در ۱۹۰۰ متری، نزدیک زاهدان، سیستان: زابل در ارتفاعات ۶۰۰ متری، خراسان: طبس، اطراف تهران، در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری، محمودیه در ۱۲۵۰ متری، ۳۲ کیلومتری مغرب فیروزکوه در ۱۹۰۰-۲۷۰۰ متری، کرج، قزوین امام شهر- بسطام.

گیاهی - *Briza bipinnata* L. ، *Desmostachya bipinnata* (L.) Stapf
چند ساله، دارای ساقه‌های منشعب از قاعده و به ارتفاع نتجاوز از یک متر است. در نواحی گرم جنوب آسیا منجمله ایران، هند و همچنین در سوریه و مصر می‌روید. برگهای باریک و دراز، به طول ۰٫۵ متر، به پهنای یک سانتیمتر با کناره پوشیده از تار دارد. مجموعه گل آذین آن به صورت پانیکول استوانه‌ای یا هرمی شکل و به طول ۱۰-۳ سانتیمتر (حتی بیشتر) ظاهر می‌شود. سنبلکهای واقع در انشعابات گل آذین، دراز، مسطح و دارای ۶-۱۲ گل می‌باشند.
خواص درمانی - ریشه گیاه طعم کمی شیرین و اثر رفع تشنگی دارد. در درمان زردی، ناراحتی‌های هضمی منشاء صمراکه با تهوع و بار زبان و غیره همراه است مفید واقع می‌گردد و چون اثر مدر دارد، در درمان بیماریهای کلیه، دفع سنگ کلیه و عدم دفع ادرار نیز موثر است بعلوه از آن جهت رفع دانه‌های جلدی و استفراغ استفاده به عمل می‌آید.

محل رویش- کرمان، بلوچستان، مکران: چاه‌بهار، سیستان: بین سفیدآباد و بیرجند.
گیاهی * *Digitaria exilis* Stapf ، گیاهی علفی، کوچک و مخصوص نواحی علیای گینه است که در آنجا پرورش می‌یابد. میوه آن بسیار کوچک و دارای پریکارپ چسبیده به دانه است به نحوی که جدا کردن آن، کار بسیار دشواری است و انجام آن، توسط زنان بومی محل، به طریق خاص صورت می‌گیرد. از دانه‌های آن غذای بسیار خوب مخصوصاً در تهیه Cous - Cous فراهم می‌آورند.

گیاهی بزرگ، *Phragmites australis* (Cav.) Trin. ، *Ph. communis* Trin. - گیاهی بزرگ، به ارتفاع ۱ تا ۲ متر و مخصوص نواحی سردابی، کنار استخرهای طبیعی و بعضی رودخانه‌هاست.

برگهائی دراز، به پهنای ۱ تا ۳ سانتیمتر، بپهنک مسطح دارد. ریزوم و ریشه آن، تصفیه کننده - خون، مدر و بند آورنده شیر مادران شیرده است.

واریته‌ای از آن به نام *Var. australis* در نواحی مرطوب ایران مانند منطقه البرز، کرج در ارتفاعات ۱۲۰۰ متری، رشت، بندر انزلی در اطراف سرداب و میان پشته، کوه الوند در همدان، بوشهر، شهبازان در ارتفاعات ۵۰۰ متری، بیشه در ۱۱۰۰ متری، مسجد سلیمان و بلوچستان، خراسان: تربت حیدریه، شیراز و غیره می‌روید.

واریته دیگر آن به نام *Var. stenophylla (Boiss.) Bor.* در سستان، داسغان، دریای - نمک و سیاه کوه یافت می‌شود.

Lolium temulentum L.

Bromus temulentus Bernh.

فرانسسه: *Lolium*، *Ivraie*، انگلیسی: *Darnel*، *Ivry*، *Rye-grass*؛

آلمانی: *Pane vino*، *Lolio*، *Zizzania*؛ ایتالیائی: *Dolic*، *Taumel-loch*؛

عربی: *Ziwan* (زوان)، *Shaylam* (شیلیم)، دتقه (Danaqah)

گیاهی علفی، یکساله و دارای ساقه نسبتاً بلند و به ارتفاع متغیر ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. برگهائی باریک، دراز و مسطح و سنبله خشن، شامل سنبله‌های پهن و مسطح، به تعداد ۳ تا ۹ دارد. میوه‌اش دارای مواد سمی نظیر **تمولین Temuline** و نوعی ساپونین است. تحقیقاتی که در مورد این گیاه به عمل آمد، نشان داد که این سمیت تا حدی مربوط به نوعی کفک نیز می‌باشد که بطور همزیستی با آن به سر می‌برد. بیسلیموم این قارچ بطور دائم در اطراف آلبومن دانه گیاه مذکور مشاهده می‌شود.

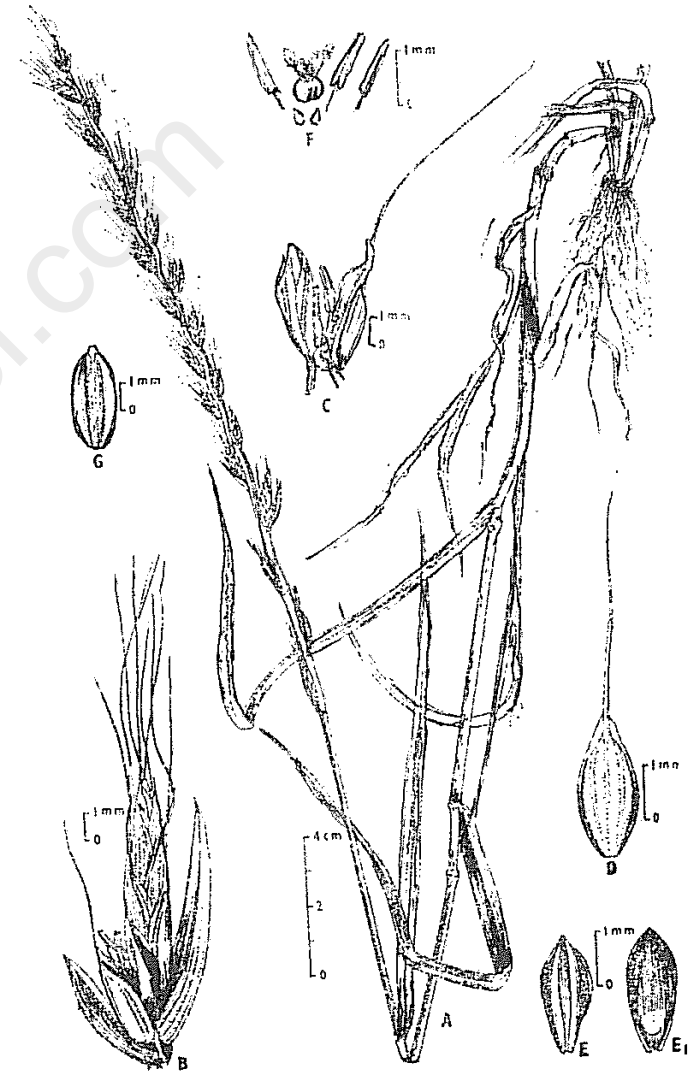
سمومیت حاصل از این گیاه با عوارضی نظیر اختلالات عصبی، سرگیجه و حالت سستی مخصوص همراه است.

محل رویش - سازندران: بابلسر، دره چالوس در ۱۲۰۰ متری، دشت نظیر در ۸۰۰ متری، کلاردشت در ۱۱۰۰ متری، کردستان: سنندج، همدان، لرستان، درود، فارس، بوشهر، کونار تخته، بلوچستان، مکران: قصر فند، سیستان: زابل در ارتفاعات ۶۰۰ متری، خراسان: کوه‌های هزار مسجد در ۱۲۰۰ متری و مشهد.

Bromus inermis Leys. و *B. arvensis* L.، میوه‌های (دانه‌ها) سمی دارند و از مخلوط شدن آنها با غلات منفید، گاهی ایجاد سمومیت می‌گردد. گونه اول از دو گیاه فوق احتمالاً در آذربایجان و گونه دوم احتمالاً در نواحی سرحدی شرق ایران می‌روید.



ش ۱۷۸ - *Phragmites australis* (نصف اندازه طبیعی)



ش ۱۷۹ - *Lolium temulentum* : a- گیاه کامل b- سنبلک c- گل باز شده
d و e- اجزاء گل f- نمایش پرچم و سادگی g- دانه (Fl. Illus. of Delhi)

در بین گیاهان تیره گندم، انواع خوراکی کم ارزشی به تعداد فراوان مانند ارزن و گارس وجود دارد که فقط در اینجا به عنوان نمونه به شرح زراعت گیاه خوراکی اخیر اکتفا شده است :

Setaria italica P. B. - گیاهی یکساله و به ارتفاع ۰.۵ م. تا یک متر و حتی بیشتر است. ریشه فیبری و ساقه‌ای به وضع قائم دارد. برگهای آن به پهنای ۱ تا ۳ سانتیمتر می‌رسد. پانیکول آن بزرگ، مخروطی دراز، به طول ۲ تا ۳ سانتیمتر و به پهنای ۲ تا ۳ سانتیمتر (گاهی بیشتر) است. زراعت آن در بعضی از نواحی مرکزی ایران معمول می‌باشد. از مشخصات خوشه مخروطی شکل آن این است که پس از رسیدن، وضع خمیده پیدا می‌کند. برای زراعت گیاه معمولاً دانه (سیوه)های سالم گیاه را در تیرماه در زمین آماده‌ای می‌کارند و در اواسط بهرماه اقدام به قطع خوشه‌های گیاه می‌کنند. خوشه‌های قطع شده را بعداً در محل مناسبی، به صورت قشر نازکی می‌گسترانند تا خشک گردند. پس از خشک شدن نیز با چوب بلندی، ضربات سلاخیم بر روی خوشه‌ها وارد می‌آورند به نحوی که سیوه‌ها بطور کامل جدا شوند. سپس آنها را عاری از ناخالصی نموده، در کیسه‌های مخصوص جای می‌دهند و در محل مناسبی نگهداری می‌کنند.

در هنگام مصرف، مقادیر لازم آنرا درون هاون‌های سنگی می‌کوبند و پس از آنکه پوسته‌های سیوه به خوبی جدا شده، مجموعه آنرا را درون طبق‌های چوبی می‌ریزند و باد می‌دهند تا جدارهای خرد شده سیوه، خارج گردد و مغز درون آن که شامل مواد غذایی مختلف است، عاری از پوشش شود.

دارای اثر چاق کننده، مدر ولی نفخ آور است.

در آلمان از آن به علت مدر بودن جهت درمان بیماریهای سینه و اسهال استفاده می‌شود. در نواحی جنوبی روسیه، نوعی الکل از آن تهیه می‌گردد.

این گیاه در نواحی مرکزی ایران، یزد، نطنز، ولوجرد و آبادیها اطراف آن پرورش می‌یابد. در غالب نواحی مذکور به **گارس** (Gars) یا **گاورس** (Gavars) موسوم است (۱). پرورش آن در آذربایجان، یام، لرستان، کرمان و بعضی نواحی خراسان نیز معمول است. از بین غلات مفیدی که در کاغذ سازی و تهیه لوازم حصیری ظریف مصارف ارزنده دارند، به شرح گیاه زیر که تعلق به جنس *Stipa* دارد سبادت می‌شود:

۱- نمونه این گیاه توسط آقای هدایت الله جعفری بیدهندی در اختیار مؤلف قرار گرفت.